

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه با فلیپ مارتینز، دبیرکل «ث. ژ. ت»
فرستنده: عثمان حیدری
۲۹ دسمبر ۲۰۱۸

واسکت های زرد یا سرخ
برای پیروزی ما باید بیش تر باشیم



دبیرکل «ث. ژ. ت» به بسیجی باز می‌گردد که فرانسه را تکان می‌دهد. برای فلیپ مارتینز این جنبش مخالف مبارزات سندیکائی نیست، بلکه موانعی را که باید برطرف شوند نشان می‌دهد، موانعی که اقدام مشترک همه کارکنان علیه آنها است.

اوماتیه: بحران واسکت زرد توانائی سندیکاها را برای دفاع مؤثر از منافع کارکنان قویاً زیر سؤال برده است. آیا فایده سندیکاها زیر سؤال است؟

فیلیپ مارتینز: چیز جالب در این جنبش این است که گرچه اقدام مشترک از سوی کسانی که ما را رهبری می‌کنند برای دهه‌ها بدنام شده است، ما یک بدنه اجتماعی را می‌بینیم که یکبار دیگر در مسیر بسیج است. اما این بسیج در بستر حذف سازمان‌های سندیکائی به وسیله دولت‌های متوالی و کارفرمایان ساخته می‌شود. اغلب اوقات، هنگامی که بسیج‌ها وجود دارند، طوری رفتار می‌کنند که گویا سندیکاها وجود ندارند، یا از پاسخ به انتظارات آن‌ها امتناع می‌ورزند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۶ تقریباً برای سه ماه تعدادی بیش‌تر از واسکت زردهای امروز علیه قانون الخمری [مریم الخمری، وزیر کار دولت سارکوزی ۲۰۱۵-۲۰۱۷] به خیابان‌ها آمدند. و حمایت عمومی از تظاهرات با امروز قابل مقایسه بود. دولت وقت چه کار کرد؟ بازی با کارت تفرقه در سندیکا را برگزید. این بدین معنی نیست که ما برای این فاکت که در میان واسکت زردهائی که امروز مطالبات اجتماعی را مطرح می‌کنند، بسیاری هستند که هرگز در تماس با سندیکاها قرار نگرفته اند یا تماس آن‌ها اندک بوده است مسؤولیتی نداریم. تحت این شرایط، برای این کارگران بسیار دشوار است که خود را از فایده سندیکاها متقاعد نمایند.

ما در استقرار خود در جهان کار بسیار تأخیر کرده ایم. تا جایی که به «ث. ژ. ت.» مربوط می‌شود، فقط ۲۵ درصد نیروی کار را زیر پوشش دارد، شناخت ۷۵ درصد باقی کارکنان چیزی است که از جاهای دیگر به آن‌ها گفته شده است. و عموماً این پیام‌ها تعریف و تحسین نیستند.



اومانیته: رویکرد «ث. ژ. ت.» به این جنبش- یک جنبش فاقد تشکیلات یا هماهنگی- چگونه است؟

فیلیپ مارتینز: موضع ما پیرامون این جنبش واسکت زردها روشن است. این با یک شورش علیه افزایش مالیات بر بنزین آغاز شد، شورشی که «ث. ژ. ت.» در آن سهیم است، اما در پشت

آن امکان روشن شعارهائی در رد همه مالیات‌ها، از جمله سهم کارگران [به تأمین اجتماعی] وجود داشت. اما سریعاً پرچم‌هائی با شعار افزایش حداقل دستمزد و مالیات بر ثروت- که در اعلامیه‌های «ث. ژ. ت.» مطرح شده بود- به حرکت درآمدند. این نشان می‌دهد که ما در بیابان مؤظه نمی‌کنیم.

حتا اگر نقاط تقارن در نگاه اول مشهود نباشند، این جنبش یک جنبش اجتماعی، از نظر ترکیب نامتجانس است که در درون آن اراده لازم برای محکوم کردن رفتارهای غیرقابل قبول درون جنبش وجود دارد.

اومانیته: واسکت زردها امتیازاتی از رئیس‌جمهور گرفته اند، امتیازاتی که جنبش سندیکائی علی‌رغم بسیج‌های آن در سال‌های اخیر نتوانسته به دست آورد. آیا این شما را به فکر تغییر ستراتیژی خود می‌اندازد؟

فیلیپ مارتینز: ما باید دائماً از خود بپرسیم مؤثرترین ستراتیژی برای پیروز شدن کدام است. به علاوه، کاری که واسکت زردها می‌کنند، با بحث‌های ما در «ث. ژ. ت.» پیرامون کارآئی اعتصابات «چند روز در میان» و بسیج شنبه‌ها همزمان است. اما، اگر ما اقدام در روز شنبه را با اقدام در درون کارخانه‌ها تلفیق نکنیم «جنبش بنگاه‌های فرانسه» همچنان آرام خواهد خوابید. در ارتباط با تظاهرات، در گذرگاه‌ها یا در ایستگاه‌های دریافت عوارض، آن‌ها بخشی از شکل‌های گوناگون ابراز مشترک نارضایتی هستند که خود جنبش سندیکائی تجربه کرده است. در سال ۲۰۱۶، ما نیز

عین همین اشغال‌ها و شکل‌های مبارزاتی را تجربه کردیم. من تمایل برخی نمایندگان سیاسی و رسانه‌ها را برای القای این ایده به روشنی می‌بینم که برخی اقدامات از دیگر اقدامات مؤثرتر خواهند بود.

به نظر من، چیزی که اقدام هم واسکت زردها و هم سندیکاها قبل از هر چیز نشان می‌دهد این است که اقدام مشترک نتیجه می‌دهد. اما آیا نتیجه آن همان قدر است که ادعا می‌شود؟ به نظر من، این سؤالی است که باید پرسید. کارگران راه‌آهن نیز در مبارزه خود چیزهایی به دست آوردند. اما آن‌ها همه چیزهایی را که می‌خواستند کسب نکردند. واسکت زردها نیز افزایش در پاداش کار، و پاداش‌های استثنائی در برخی شرکت‌ها را به دست آورده اند، اما آن‌ها افزایش حداقل دستمزد، یا استقرار دوباره مالیات بر ثروت را به دست نیاورده اند. بنابراین، اگر ما می‌خواهیم دست‌آوردهای بیشتری داشته باشیم، باید برای بسیج، حتی بیشتر باشیم، و این به همه، به واسکت زردها، واسکت سرخ‌ها، یا واسکت به هر رنگ دیگری مربوط می‌شود. این همچنین مسأله توانائی جمعی ما برای ضربه زدن به قلب نظام، یعنی به سرمایه را مطرح می‌سازد. سرمایه گروه‌های بزرگ، چندملیتی‌ها است.

اوماتیه: آیا دور زدن سندیکاها همچنین پی‌آمد مبارزاتی نیست که دیگر به پیروزی‌های جدید نمی‌انجامند؟

فیلیپ مارتینز: بله، جهان کار برای به دست آوردن پیروزی‌های جدید مبارزه می‌کند. بسیج‌های عمده‌ای وجود داشته است، اما از نبرد برای ۳۵ ساعت کار در هفته به بعد، هیچ بسیجی پیرامون موضوعات ملی صورت نگرفته است. ما جلوی عقب‌گرد را گرفته ایم اما هیچ پیروزی جدیدی نداشته ایم. این مسأله اقدام مشترک، مسأله شکل‌های مبارزه را پیش می‌آورد. این‌ها مشاهداتی است که خود ما داشته ایم، در این مورد ما با شما هم نظریم.

اوماتیه: آیا این همچنین نتیجه سیاستی نیست که هدف نابود کردن سندیکاها را دنبال می‌کند؟

فیلیپ مارتینز: دولت در طول حدود ده سال این ایده را پروراند که نقش سندیکاها حمایت از اقدامات آن است، و کسانی که از انجام این امتناع نمایند، باید نادیده گرفته شوند. سارکوزی در سال ۲۰۰۷ «ث. ژ. ت» را هو کرد. امانوئل ماکرون حتی از این جلوتر رفت و همه سندیکاها را، بدون استثناء، کنار گذاشت. اکنون، او هر شش ماه یکبار مرتکب این گناه می‌شود. او در جولای، و دوباره این ماه با مقامات رسمی و نمایندگان سندیکاها ملاقات کرد. اما این فقط ارتباطات است.

اوماتیه: بنابراین از آغاز بحران واسکت زرد هیچ چیز در الیزه تغییر نکرده است؟

فیلیپ مارتینز: آیا رئیس‌جمهور پس از این ملاقات به مطالبات ما توجه کرد؟ مطلقاً خیر. وی علاوه بر این که درشت می‌گوید، به محتوا توجه نکرده است. زمانی که [گیل لژاندر] رهبر کنونی نمایندگان «جمهوری، به پیش!» می‌گوید «اشتباه ما این است که خیلی زیرک، خیلی با هوش بوده ایم»، بدین معنی است که آن‌ها آشکارا مردم را ابله تصور می‌کنند. این حرف مکرون است. و زمانی که نخست‌وزیر می‌گوید برخی از دریافت‌کنندگان «حداقل دستمزد» از جمله «ثروتمندترین خانوارها» هستند، روشن است که چیزی تغییر نکرده است. «ث. ژ. ت» اجازه نخواهد آن‌ها از آن سوءاستفاده کنند.

اوماتیه: آیا تفرقه در جنبش سندیکائی در ایجاد این احساس سهم دارد که سندیکاها در خدمت کارکنان گوناگون نیستند؟

فیلیپ مارتینز: محققاً همه سندیکاها در دفاع از منافع جهان کار نقشی به عهده دارند. منطق شهروندان این را می‌گوید. به محض این‌که شهروندان احساس کنند این دغدغه مرکزی آن سازمان‌ها نیست، در محل‌های رفت‌وآمد می‌شنویم: چرا آن‌ها به توافق نمی‌رسند؟ مادام که این احساس وجود دارد، اعتبار ما لطمه خواهد خورد.

اوماتیه: واسکت زردها مسأله مبارزه در محل کار را پیش نمی‌کنند، یا به «جنبش بنگاه‌های فرانسه» به مثابه مخالف خود اشاره نمی‌کنند. آیا این مانعی در برابر اتحاد عمل آن‌ها با مبارزات سندیکائی و اعتصابات است؟

فیلیپ مارتینز: بخش اعظم معترضان در میدان‌ها، در شرکت‌های بزرگ کار نمی‌کنند. آن‌ها بیکاران، بازنشستگان، شاغلان در شرکت‌های بسیار کوچک و متوسط، حتی کارفرمایان کوچک و صنعت‌گران می‌باشند، آن‌ها توده اعضای سندیکای ما نیستند. این مردم در زندگی روزانه خود با سرمایه، «ث. آ. ث. ۴۰» [شاخص بازار بورس فرانسه]، و سهامداران برخوردی ندارند. «جنبش بنگاه‌های فرانسه» [بزرگترین فدراسیون کارفرمایان فرانسه] که نماد قدرت پول است، برای این مردم دور از ذهن است. از این‌رو، «ث. ژ. ت.» باید در مشخص ساختن آن‌هایی که مسؤول اصلی وضعیت هستند، دقیق‌تر باشد. «جنبش بنگاه‌های فرانسه» خوشحال‌ترین‌ها از اقدامات دولت می‌باشد: این‌ها مجبور نیستند دست در جیب خود کنند. جنو فروی رو د بیسیو [رئیس «جنبش بنگاه‌های فرانسه»] همچنین می‌گوید که جنبش اجتماعی او را نگران نمی‌کند، زیرا کارخانه‌ها اشغال نشده‌اند و به دفاتر او حمله نشده است. کار «ث. ژ. ت.» این است که به مردم یادآور شود، پول وجود دارد، اما به جای دیگری می‌رود، پول به سمت سهامداران می‌رود و نه کارکنان. پاداش کار را مالیات همه می‌پردازد، در حالی‌که صاحبان سرمایه پول حتی بیش‌تری دریافت می‌کنند. اعضای سندیکای «ث. ژ. ت.» در محل‌های رفت‌وآمد با واسکت زردها برای پیش بردن این مناظره وارد بحث می‌شوند. همه کارکنان در این کشور، چه در یک شرکت کوچک با بزرگ، و حتی در بخش‌های عمومی کار کنند، از جانب سهامداران تحت فشار قرار دارند.

اوماتیه: حداقل دستمزد افزایش نخواهد یافت، اما مزایای کار که به همه کارکنان دریافت‌کننده حداقل دستمزد تعلق خواهد گرفت، بالا خواهد رفت. آیا این یک پیشروی جزئی یا یک خدعه است؟

فیلیپ مارتینز: وقتی شما چیزی ندارید یا اندکی دارید، ۱۰۰ یورو بیش‌تر، خیلی پول است. اما اقدام یک فریبکاری است، زیرا مالیات دهندگان آن را می‌پردازند و نه رؤسا از طریق افزایش دستمزدها. و تازه، این مقدار برای همه یکسان نیست، زیرا درآمد خانوار آن را تعیین می‌کند. چون مردان اغلب بیش‌تر از زنان مزد می‌گیرند، دریافتی بخش بزرگی از آن‌ها از افزایش حداقل دستمزد افزایش خواهد یافت، اما آن‌ها برای دریافت ۱۰۰ یورو پاداش کار واجد شرایط نخواهند بود. این توهین‌آمیز است!

ما از دولت خواستیم یک مذاکره واقعی را پیرامون افزایش حداقل دستمزد باز کند. افزایش حداقل دستمزد، نه فقط افزایش پائین‌ترین حقوق‌ها، بلکه افزایش همه حقوق‌ها را ممکن می‌سازد. و خلاف پاداش کار که هیچ حقی نسبت به مزایای بازنشستگی و تأمین اجتماعی ایجاد نمی‌کند، مزدها سهم اجتماعی ایجاد می‌کنند که برای محاسبه مزایای کار به حساب می‌آید. به جای این، دولت هنوز کار را یک هزینه حساب می‌کند و معتقد است که سرمایه را باید نجات داد. هدایای ابلهانه، مانند معافیت مالیاتی برای اضافه کار، ادامه دارد. آیا ما بر این باوریم که با مجبور ساختن شاغلان به کار بیش‌تر، بیکاران را برای یافت کار توانمند خواهیم کرد؟

اومانیتیه: دولت اعلام کرده است که می‌خواهد بسته اصلاحات را حفظ کند. پاسخ «ث. ژ. ت» برای آغاز سال ۲۰۱۹
چه خواهد بود؟

فیلیپ مارتینز: ما احساس می‌کنیم که با بسیج پیرامون مسایل اساسی مانند دستمزدها و عدالت مالی در آغاز سال نو، باید در دیگ را فوراً بگذاریم. ما در مرحله مقدماتی جلب توجه تعداد هر چه بیشتری از سندیکاها و سازمان‌های جوانان به این مطالبات، پس از ایام تعطیلات، به شکلی که هنوز مشخص نشده قرار داریم.

<https://www.humanite.fr/mouvement-social-gilets-rouges-ou-jaunes-pour-gagner-il-faut-etre-plus-nombreux-665424>

منبع: اومانیتیه
تارنگاشت عدالت